

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Martyrs

جانبازان

اکبر تک دهقان

۹ دی ۱۳۸۸ - ۳۰ دسامبر ۲۰۰۹



تبریک سال نو میلادی ۲۰۱۰، با خاطره مونا، دختر شجاع و شهروند آزاده!

موناى مردم ایران، موناى صلح و دوستى!

او در روز ۲۸ خرداد سال ۱۳۶۲، در سن ۱۶ سالگی و به همراه ۹ زن دیگر، توسط دژخیمان خمینی جلا، در قتلگاه عادل آباد شیراز، به دار آویخته شد.

" جرم ": "عدم انکار دیانت بهایی" . * ۱

با اطمینان میتوان ادعا کرد: هیچ بخشی از جامعه ایران، در سطح شهروندان بهایی، مورد سرکوب و تبعیض و تحقیر این رژیم خون آشام واقع نشدند؛ این در حالیست که بهائیان هنوز از نظر تنوری، در چهارچوب اسلام قرار داشته، ضد دین محسوب نمی شوند. از سالها و دهه ها پیش از سرنگونی رژیم سلطنتی، خانه های بهائیان در مناطق مختلف تهران و بسیاری از شهرهای دیگر، مورد تهاجم دسته جات لباس شخصی قرار گرفته، به آتش کشیده میشدند. این جانبازان، مستقیماً زیر نظر مسؤولین مساجد و " امام جماعت" ها قرار داشته، هرگز هم از سوی دستگاه قضایی رژیم پهلوی، بازداشت و محاکمه نشدند.

موناى عزیز، خود در آخرین نوشته، چند ماه قبل از اعدام، تحت: " چرا در کشور من، هم کیشانم از خانه هایشان ربهوده میشوند؟ شبانه و با لباس خواب به مساجد برده میشوند و شلاق و کتک میخورند؟ و همانگونه که اخیراً در

شهر خودمان (شیراز) دیده ایم خانه هایشان غارت و آتش زده میشوند؟"، به جهنمی که سلطه گران بربرمنش حاکم علیه آنها ساخته اند، اشاره کرده است.*۲

جهان باید بداند:

مونا و همه زنان و مردان جانباخته بهایی، بخشی از وجود مردم ایران بوده، مرگ تلخ و تنهایی تأثر انگیز و ایزولاسیون جنایتکارانه آنها، نابودی زندگی و لحظات زیبای زندگی همه ما هم بود. به این امید، که بختک زشتی و پستی و ذالت، هیولایی که سزاوار نفرت همه تاریخ و بشریت است، با قدرت مردم مستقل و آزاده، از سینه این مردم به دور افکنده شود؛ و نسل جوان، نسلی که مونا و دهها هزار جوان نظیر او، پیشگامان گذشته آن بودند، جامعه ای آزاد و شایسته انسان بسازد.

در زیر در معرفی مونا، انشاء او برای کلاس درس، در آخرین ماههای زندگی اش، درج میگردد. در همین نوشته کوتاه، آگاهی و عشق و شور زندگی، موج میزند. این سندی است، که نشان میدهد: رژیم اسلامی در نابودی نسل جوان گذشته، بر چه هدفی متمرکز گشته بود؟ خصومت و رزی افراطی آنها با نسل جوان، به دلیل ضدیت آنها با شور و جوانی و زیبایی، ضدیت آنها با کار و تلاش و آرمانخواهی، و بیگانگی آنها با دوستی، عشق و زندگی، دشمنی با حقیقت و راستگویی بود. درنده خویی های این رژیم پلید علیه نسل جوان کنونی هم، درست با همین انگیزه های ضد بشری، صورت میگیرد.

رژیم اسلامی امروز در جهنمی که خود آفریده، بر زمین میخکوب شده است. مردمی که تا ۶ ماه پیش نظیر برده، به دلیل نوع پوشش و معاشرت خود، در روز روشن تحقیر شده، مورد ضرب و شتم واقع میشدند، امروز پوتین مزدور ولی فقیه جانی را بر باطوم مزدور دیگری آویخته، با آن عکس یادگاری میگیرند! این سرنوشت دستگاه مخوف و ضد انسانی است، که مونا ی عزیز مردم ایران را، با شقاوت غیر قابل تصویری از آنها گرفت.

یاد مونا ی عشق و آزادی گرامی باد!

متن انشاء مونا محمود نژاد، دختر ۱۶ ساله بهایی، چند ماه قبل از اعدام او!*۳

موضوع انشاء کلاس او در مدرسه، که از سوی معلم تعیین گشته است:

آزادی میوه اسلام است. هرکس آن را چشیده بهره برده است.

آزادی درخشنده ترین کلمه در میان کلمات درخشان موجود در دنیا است.

بشر همواره درباره آزادی سؤال پرسیده و خواهد پرسید که چرا از آن محروم بوده است؟

چرا از زمان آغاز حیات بشر بر روی این سیاره آزادی وجود نداشته؟

همیشه افرادی نیرومند و بی انصاف بوده اند که به خاطر خواسته های شخصی شان به هرگونه جور و ستمی متوسل شده اند.

چرا در کشور من هم کیشانم از خانه هایشان ربوده میشوند؟ شبانه و با لباس خواب به مساجد برده میشوند و شلاق و

کتک میخورند؟ و همانگونه که اخیراً در شهر خودمان (شیراز) دیده ایم خانه هایشان غارت و آتش زده میشوند؟

صدها نفر با ترس خانه هایشان را ترک میکنند. چرا؟ به دلیل نعمت آزادی که اسلام آورده؟

چرا من آزاد نیستم تا عقایدم را در این جامعه بیان کنم؟ چرا آزادی بیان نداشته ام به طوریکه در نشریات بنویسم و در رادیو و تلویزیون درباره عقایدم حرف بزنم؟

چرا نمیتوانم بگویم یک بنیانگذار نوین جهانی با حقایقش آمده تا ما را راهنمایی و یاری کند تا باشیم آن طوری که برآستی باید باشیم؟ به‌الله یک کتاب جدید آورده است. کتابی که ما را از دشمنی و عداوت نجات خواهد داد. ما را از تبعیض می‌رهاند. ما را از تفکرات جناحی و خشونت آزاد میکند. کتاب او مادر همه کتابها میتواند باشد و من هنوز اجازه ندارم تا درباره آن صحبت کنم یا این آگاهی را در اختیار جامعه خود قرار دهم. بله! آزادی و اختیار هدیه خداست و هدیه خوبی است برای من!!!!

مونا محمودنژاد، ۱۶ ساله

تاریخ اعدام: ۲۸ خرداد ۱۳۶۲ - زندان عادل آباد شیراز

جرم: عدم انکار دیانت بهایی

به یاد دکتر مسیح، از زندانیان بهایی در زندان اوین، سالهای ۱۳۵۹ - ۱۳۶۰



دکتر مسیح فرهنگی، نزد زندانیان سیاسی چپ و مجاهد در بند ۲ عمومی زندان اوین، به طور خلاصه " دکتر مسیح " نام داشت.*۴ او که هر روز، با کیف پزشکی خود، به زندانیان سر میزد، انسانی از صمیم قلب دوست داشتی، و مورد احترام بی چون و چرای زندانیان سیاسی جدید بود. دکتر مسیح در همان تاریخ و در سن تقریباً ۷۰ سالگی، از حکم قتل خود، صادره از سوی بیدادگاه بربرمنش خمینی مطلع شده بود؛ اما این سرنوشت تلخ، هیچگونه اثری از ناراحتی، ترس و اظهار پشیمانی در چهره او بر جای نگذاشته بود. ما هر روز به دیدن او نیاز داشتیم، نه فقط به عنوان دکتر، بلکه قبل از همه: به عنوان انسانی آزاده و با شرافت، که در ما، شور مقاومت را تقویت میکرد. دکتر مسیح، کسی بود، که همه ما- زندانیان جوان و بعضاً نوجوان را- صمیمانه دوست داشت و ما روح بلند و آزاده، و پایداری او را میستودیم!

دکتر مسیح در روزهای اعتصاب غذای یک هفته ای زندانیان سیاسی، در اوایل سال ۱۳۶۰ در بند ۲ عمومی زندان اوین، در کنار زندانیان و برای آنها بود. او مداوماً توجه مسئولین بند را به وضع وخیم برخی از زندانیان جلب کرده، پذیرش خواستهای زندانیان سیاسی، به منظور پایان دادن به اعتصاب غذا را، توصیه میکرد. او از مطالبات زندانیان دفاع کرده، به ما قوت قلب داده، با نگاه مستقیم به چشم، و با لحنی پرشور و محکم میگفت: " شما مقاوم هستید. شما پیروز میشوید!"

دکتر مسیح همراه با ۳ نفر دیگر از شهروندان بهایی، در روز ۳ تیرماه ۱۳۶۰ و در سن ۶۹ سالگی، فقط به دلیل باور به دین بهائیت و تسلیم نشدن در برابر جلادان حاکم، در زندان اوین تیرباران شد.

یاد و خاطره دکتر مسیح عزیز و دلسوز گرامی باد!

توضیحات

* ۱- سایت مونا Mona's Dream، و موزیک دل انگیز و زیبایی، که تا ساعاتی ادامه دارد.

<http://www.monasdream.com>

- در نشانی بالا همچنین، تصاویر هر ۱۰ زن اعدام شده شیرازی، که مونا هم- سمت چپ نفر اول در میان آنهاست- را می بینید.

http://www.alefba.com/article_Vahdati.htm

- در نشانی بالا، اطلاعات مفصلی از زندانیان شیرازی که همراه با مونا به دار آویخته شدند، قابل دریافت است:

* ۲- در نشانی زیر، در زیر نویسنده (۲) از مقاله ای به نقل از نشریه "حقیقت"، توضیحی مربوط به فعالیتهای ضد بهایی منتظری، در دوره جوانی او در شهر نجف آباد، درج شده است. هدف این نگارنده در اینجا، به هیچوجه موضع گیری پیرامون فرد مزبور، به ویژه در شرایط فعلی، نیست؛ بلکه ارائه سندی است، که نشان میدهد: آخوندها و بازاریان رژیم اسلامی، همواره متوسل به اقدامات سیستماتیک ضد انسانی و سرکوبگرانه علیه شهروندان بهایی شده اند. هولناک اینکه، شخص نامبرده در بالا، همین سند را به مثابه جزئی از افتخارات گذشته، در خاطرات خود که در سالهای اخیر منتشر شده، با غرور و افتخار ذکر کرده است!

<http://www.brwska.org/fa/index.php?mode=print&news=3859>

" تمام طبقات و اصناف نجف آباد را دعوت کردم و همه علیه بهائیت اعلامیه دادند. مثلاً نانوایان نوشتند ما به بهائیان نان نمی فروشیم. راننده ها امضاء کردند که ما دیگر سوارشان نمی کنیم. از همه علمای نجف آباد و افرادی که با صنف های مختلف مربوطند کمک گرفتیم. خلاصه کاری کردیم که از نجف آباد تا اصفهان که کرایه ماشین يك تومان بود يك بهائی التماس میکرد پنجاه تومان بدهند و او را نمی بردند."

* ۳- منبع برداشت انشاء مونا برای مدرسه:

<http://v-persians.blogspot.com/2009/06/16.html>

*۴- زندگینامه شهروند بهایی دکتر مسیح فرهنگی را، در این نشانی بخوانید:

http://bahaimartyrs.blogspot.com/2008/08/blog-post_15.html

- وبسایت " شهدای امر بهایی"؛ در این سایت، لیستی از جانباختگان شهروندان بهایی را می بینید، که صرفاً به دلیل بهایی بودن، توسط دژخیمان رژیم اسلامی به قتل رسیدند:

<http://bahaimartyrs.blogspot.com>
